

ایرج افشار و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

سوسن اصیلی*



کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد از سال ۱۳۵۰ که شامل انتشار کتاب‌ها، فهرست‌ها و جزوات بود، از جمله دیگر خدمات ایرج افشار در کتابخانه مرکزی دانشگاه است.

از تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۴۹ که دستورالعملی برای انتخاب و خرید کتاب به تصویب هیأت امنای رسید، انتخاب و تقویم کتاب‌های خطی منوط به تصویب کمیته‌ای مرکب از پنج نفر شد که افشار یکی از اعضای آن بود.^۱ در طول سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۸ که افشار از دانشگاه تهران بازنشسته شد، طی پانزده سال حدود ۴۸۰۰ نسخه خطی به مجموعه کتابخانه مرکزی اضافه شد. این رقم با توجه به تعداد نسخه‌های خطی موجود در مجموعه اصلی کتابخانه مرکزی، بدون احتساب مجموعه دانشکده‌ها، که در حدود ۱۲۰۰۰ نسخه است، بیش از یک سوم کل مجموعه را تشکیل می‌دهد. در همین سال‌ها بود که نسخه‌های خطی و دست‌نوشته‌های سعید نفیسی، بدیع‌الزمان فروزانفر، محمد قزوینی، عباس اقبال آشتیانی و سیدحسن تقی‌زاده به کتابخانه مرکزی وارد شد.

اما افشار از دوهزارمین نسخه تا آخرین آن در تقویم و خرید نسخه‌ها نقش داشته است. از سال ۱۳۳۸ که کتابخانه مرکزی از ایشان برای تقویم نسخه‌های خطی دعوت می‌کرده است و تا آخرین ماه‌های زندگی، برای تقویم نسخه‌های خطی به کتابخانه مرکزی می‌آمدند.

با اینکه افشار در اسفند ماه ۱۳۵۷ از سمت خود در کتابخانه مرکزی کناره‌گیری کرد و در سال ۱۳۵۸ از دانشگاه تهران بازنشسته گردید، اما ارتباط خود را تا هنگامی که درگذشت با کتابخانه مرکزی حفظ کرد. همه رؤسای کتابخانه در طول این سال‌ها برای او احترام بسیاری قائل بودند و گاه از مشاوره‌های او بهره می‌بردند.

اعتبار و وجهه نام ایرج افشار باعث می‌شد که بسیاری از خانواده‌ها و محققان علاقه‌مند باشند نسخه‌های خطی

ایرج افشار یکی از بنیانگذاران کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران بود که از سال ۱۳۳۸ در شکل‌گیری و تهیه مقدمات تأسیس این کتابخانه معظم نقش داشت. برنامه‌ای که برای احداث ساختمان کتابخانه مرکزی تدوین شده بود در سال ۱۳۴۳ به او که در آن زمان رئیس «اداره انتشارات و روابط کتابخانه‌ها» بود ابلاغ گردید و در سال ۱۳۴۶ وی رسماً به سمت ریاست کتابخانه مرکزی منصوب گردید.^۱ در طول هفت سالی که کار بنای ساختمان بزرگ کتابخانه مرکزی طول کشید، افشار علاوه بر نظارت بر روند ساخت ساختمان جدید به برنامه‌ریزی برای تربیت کتابداران متخصص و به‌کارگیری روش‌های نو برای فهرست‌نویسی و سازماندهی مواد کتابخانه‌های می‌پرداخت؛ کاری که تا آن زمان در هیچ‌یک از کتابخانه‌های ایران سابقه نداشت.

نخستین تلاش‌ها در زمینه گسترش کتابداری جدید در ایران در این دوره و به همت ایرج افشار انجام شد؛ از جمله استفاده از طبقه‌بندی کنگره که برای نخستین بار در ایران مورد استفاده قرار گرفت، وضع اصطلاحات فارسی در برابر اصطلاحات فرنگی کتابداری، گسترش و تطبیق طبقه‌بندی کتابخانه کنگره با برخی موضوعات فارسی، مانند ادبیات فارسی، تاریخ ایران و اسلام، تهیه سرعنوان‌های موضوعی در زبان فارسی، و ترجمه قواعد فهرست‌نویسی انگلوامیکن. به این ترتیب ایرج افشار در گسترش کتابداری جدید در ایران نیز نقش مهمی داشته است.

اقدام به تهیه عکس و میکروفیلم از نسخه‌های خطی داخل و خارج از کشور، تهیه مجموع‌های از عکس‌های متعلق به اداره بیوتات سلطنتی ناصرالدین‌شاه، برگزاری نمایشگاه و بزرگداشت مشاهیر و رجال ادب و فرهنگ کشور در سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۷، انتشار نشریه نسخه‌های خطی در سال ۱۳۳۹ و نشریه کتابداری در سال ۱۳۴۵، و پایه‌گذاری انتشارات

۲. قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، گزارش سال ۱۳۵۲ کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران «کتابداری»، دفتر پنجم (۱۳۵۴)، ص. ۱۹۸.

* کارشناس بخش نسخه‌های خطی دانشگاه تهران



کپیۀ تجارتي دورۀ قاجار» (نسخه‌های ش ۹۸۵۸-۹۸۶۰) که در سفر کرمان، در سال ۱۳۵۷، از عتیقه‌فروشی برای کتابخانه مرکزی خریداری کرد.

گاه نیز نسخه‌هایی را پس از چاپ به کتابخانه مرکزی می‌سپرد. در آغاز رسالۀ جلدسازی (ش ۸۳۴۹) نوشته است:

از روی نسخه خطی شماره... کتابخانه دولتی شرق مدراس (هند) به خواهش این بنده ایرج افشار توسط دوست محترم محمدیوسف عمری کوکن استنساخ شده است و در فرهنگ ایران زمین طبع شد (ج ۱۶) و این نسخه خطی برای استفاده دیگران به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تقدیم گردید.

و یا مجموعه دست‌نوشته‌های علامه محمد قزوینی را که خود منتشر کرد، به کتابخانه مرکزی اهدا کرد. آخرین آنها را که *مسایل پارسیه* بود پیش از آخرین سفر خود به آمریکا به کتابخانه فرستاد. در ابتدای یکی از این نسخه‌ها (ش ۹۱۸۶) چنین می‌نویسد:

این دفتر که مطالبش در جلد دهم طبع شد و نزد من از طرف مرحوم تقی‌زاده بدان منظور بود برای نگاهبانی همیشگی تحویل کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه طهران گردید.

از دیگر اسناد اهدایی ایشان به کتابخانه مدارک تحصیلی پدرشان دکتر محمود افشار است که در سال ۱۳۸۶ به ثبت رسیده است.

استاد افشار به کتابخانه مرکزی تعلق خاطر عمیق داشت که تا پایان زندگیش با او بود. هر گاه به کتابخانه می‌آمد به تغییرات انجام‌شده توجه نشان می‌داد و درباره آنها می‌پرسید و نظر می‌داد و برخی نکات را یادآوری می‌کرد.

مجسمه‌های زیبایی که اکنون زینتبخش سرسرای کتابخانه است، یادگار دوران اوست که به سفارش کتابخانه مرکزی و به دست علی محمد مددی ساخته شده‌اند. این مجسمه‌ها در سال ۱۳۵۸ به انبار کتابخانه منتقل گردیده بود. اما در سال ۱۳۸۰ همزمان با تأسیس تالار ویژه کتاب‌های نایاب و مجموعه‌های ویژه به اتفاق همکارانم آنها را از انبار کتابخانه خارج کردیم، برای آنها شناسنامه‌ای تهیه نمودیم و با حمایت ریاست و معاونت وقت کتابخانه آنها را در سرسرای کتابخانه مستقر کردیم. این کار به جد اسباب خوشنودی استاد بود که

خود را چه از راه فروش و چه از راه اهدا به کتابخانه مرکزی بسپارند. به پشتوانۀ همین توجه او بود که نسخه‌های خطی ارزشمندی از خاندان غفاری، مختارالدوله، محمدطاهر میرزا مترجم، و رضاقلی خان هدایت، دکتر یحیی ماهیار نوابی، دکتر محمدامین ریاحی و مهدی غروی در سالهای اخیر برای کتابخانه خریداری شد.

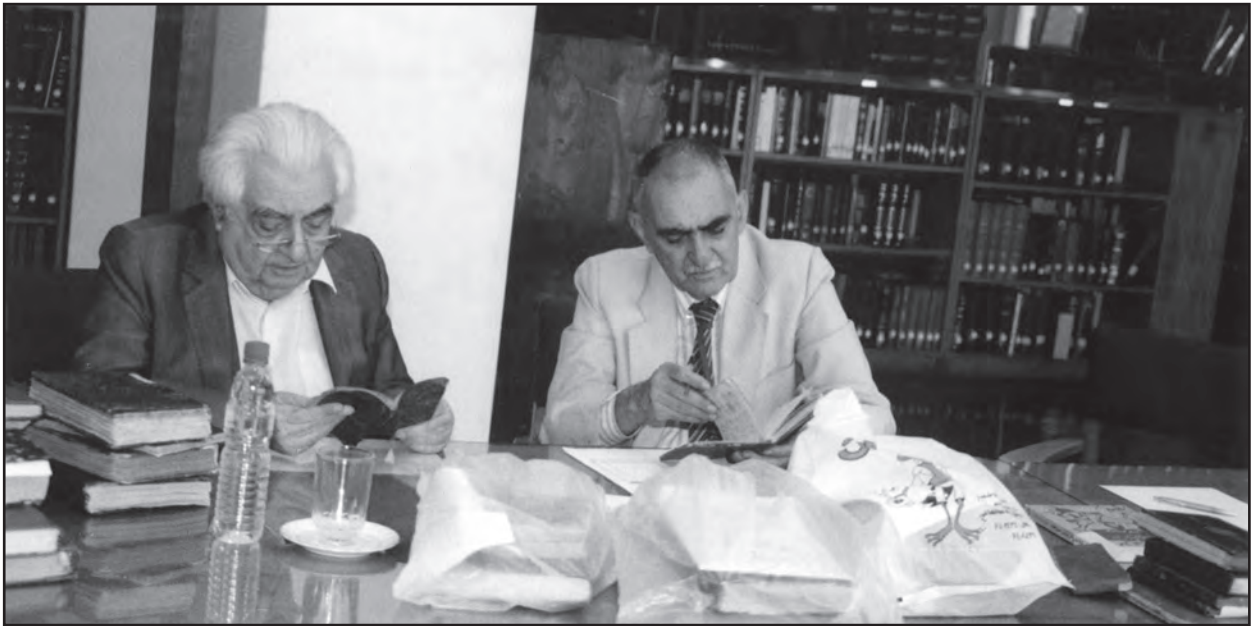
او همواره سعی در جلب رضایت مجموعه‌داران و مالکان نسخه‌های خطی داشت تا نسخه‌های خود را برای خرید یا اهدا به کتابخانه مرکزی بسپارند. صورت جلسه‌های خریدی که او تنظیم می‌کرد به تأیید معاون پژوهشی دانشگاه می‌رسید و اعتبار لازم تأمین می‌گردید. در چند مورد هم پرداخت وجه خرید نسخه‌ها را، استاد از محل بخششهای جمالزاده تقبل کرد که البته مطابق نیت جمالزاده نیز بود تا نسخه در دانشگاه بماند و از دست نرود. اگر نسخه‌ای را تقویم می‌کرد، تا لحظه پرداخت وجه آن پی‌گیر بود. تأخیر و بدقولی را جایز نمی‌دانست و تأکید می‌کرد که نباید مردم را معطل کرد و این در حالی بود که خود هرگز نخواست تا بابت جلسات تقویم نسخه‌ها وجهی از دانشگاه دریافت کند.

علاوه بر این، استاد خود نیز هر از گاهی نسخه‌هایی را به کتابخانه اهدا می‌کرد. نخستین بار در سال ۱۳۳۸ دو نسخه خطی را به مجموعه کتابخانه اهدا نمود. براساس یادداشت‌های اهدا در ابتدای نسخه‌ها این کار را برای «حفظ و نگاهبانی»، «نگاهبانی همیشگی» و «ماندگاری» نسخه‌ها در کتابخانه دانشگاه و نیز «استفاده دیگران» انجام می‌داد؛ برای مثال در آغاز نسخه *زادالمعاد* (نسخه ش ۱۰۰۴۷) در سال ۱۳۶۰ نوشته‌اند:

این نسخه خطی زادالمعاد را که اوراق شده بود و به دست من از تصرفات زمانه رسیده است، برای حفظ و نگاهبانی تجلید کردم و به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه طهران تقدیم کردم. چون نام کاتبی را دربر دارد برای فهرست‌نویسان خالی از فایده نخواهد بود.

و یا نسخه شماره ۱۰۰۳۵:

از مستملکات مستشارالدوله صادق که برای ماندگاری به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تقدیم می‌کنم. گاه می‌شد که استاد افشار در سفرهایش نسخه باارزشی می‌یافت و برای کتابخانه خریداری میکرد؛ مانند سه جلد «دفتر



زنده یاد اصغر مهدوی و ایرج افشار

به عنوان مسئول بخش نسخه‌های خطی و با تأیید اولیای محترم کتابخانه، برای انجام بعضی از کارهای جدید با ایشان مشورت می‌کردم و از راهنمایی‌هایشان بهره می‌بردم. با وجود تحولات بسیار در کتابداری جدید، استاد همواره دارای ایده‌های نو و راهگشا بود و همیشه مایه دلگرمی برای انجام کارهای جدی در زمینه نسخه‌های خطی. از تأسیس ساختمان فعلی کتابخانه در سال ۱۳۵۰، که استاد افشار را به عنوان نخستین رئیس آن می‌شناسیم، تا امروز نزدیک چهل سال می‌گذرد. در طول این سال‌ها همواره بر مجموعه کتابخانه افزوده شده و به‌ویژه در سال‌های اخیر با توجهات مدیریت فعلی کتابخانه برای به‌کارگیری روش‌های نوین در جهت ساماندهی کتابخانه، هم‌اکنون اموری که او در آن روزگار با امکانات اولیه کتابداری جدید در ایران انجام می‌داد مانند همه مشکلاتی که کار فهرستنویسی و تهیه برگه‌ها داشت با ابزارهای رایانه‌ای و دیجیتالی انجام می‌شود. به این ترتیب این کتابخانه که اکنون بیش از نیم قرن از حیات آن می‌گذرد و از بزرگترین و مهمترین کتابخانه‌های ایران است دارای مجموعه منابع مهمی شامل کتاب‌های چاپی، نسخه‌های خطی، اسناد، عکس‌ها، نشریات و پایان‌نامه‌ها بالغ بر یک میلیون عنوان است و روزانه بیش از هزار مراجعه‌کننده را پاسخ‌گو است.

در سال ۱۳۷۸ در یادداشتی که به مناسبت درگذشت سازنده این مجسمه‌ها، علیمحمد مددی، در بخارا نوشت، به اهمیت آنها اشاره کرده بود.

زمانی که تابلوی بزرگ «نون و القلم و ما یسطرون» به خط خوش استاد محمد احصایی، به تاریخ سال ۱۳۵۱، در سرسرای کتابخانه نصب شده بود، توصیه کردند که به جای مناسب‌تری انتقال یابد تا از دسترس آسیب دور باشد که بلافاصله به دستور ریاست کتابخانه به یکی از تالارها منتقل و در جای مناسبی نصب شد.

دکتر یحیی مهدوی، استاد فلسفه دانشگاه تهران، کتابخانه خود را در سال ۱۳۴۹ به دانشگاه تهران وقف می‌کند، با این شرط که تا هنگام حیاتش در نزد او به امانت بماند.^۲ این مجموعه پس از درگذشت او در سال ۱۳۷۹ سرانجام در سال ۱۳۸۳ به کتابخانه مرکزی منتقل شد و اکنون در تالار کتاب‌های نایاب و مجموعه‌های ویژه کتابخانه نگهداری می‌شود و استاد با علاقه و حساسیت انتقال مجموعه و ثبت و استقرار آن را پیگیری می‌کرد.

هنگامی که مسئولان وقت کتابخانه در سال ۱۳۸۲ تالاری را برای مطالعه نسخه‌های خطی به وجود آوردند، با نظر استاد افشار آن را به نام محمدتقی دانش‌پژوه نامگذاری کردند.

۴. نک: «گزارش کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد مربوط به سال ۱۳۴۹». کتابداری، دفتر چهارم، ۱۳۵۲، ص ۱۰۶.

